

از دکتر آنده برژ استاد کرسی روانشناسی  
و روان پزشکی دانشگاه پاریس و رئیس  
فدراسیون بین‌المللی مدارس اولیاء و مربیان



ترجمه: دکتر آصفه آصفی  
دانشیار دانشسرای عالی

# تعلیم و تربیت خانواده‌محلی

موسسه علمی و تحقیقاتی  
پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

خود تطبیق دهیم - شرایط جسمانی مقدم بر شرایط مادی است. کودکان بمقتضای طبیعت خود چه از نظر جسمانی و چه از نظر مادی شکننده و ضعیف هستند ولی استعداد و قابلیت‌های آنهاست که اگر حیف و میل نشود از ثروتهای بی‌حسابی که در اثر بخت و اقبال یا یک ازدواج عجیب و غریب بدست می‌آید ارزشمندتر و گران‌بها تر است.

اهمیت و ارزش موجهی که به آن استناد میکنیم به «شرایط روانی» ما را به نرمش در تشکلی میانه آمیز به اعراض کردن و رها کردن یا به تسلیم شدن رهنمون نیست - سرفین با مقدار زیاد فقط میتواند در حد نسخه‌ای باشد برای بردنی‌ها ولی در دوران جوانی و عنفوان غرور و نیرو استعمالش هائل و کشنده

خوشی و شادمانی عبارت از عادت است که در حد و اندازه حساسیت انسان میباشد و تسوازن و هم‌آهنگی سالهای اولیه زندگی و آینده کودک را ضمانت کرده و در بر میگیرد. بهمین دلیل اگر آرزومند سرنوشتی خوب و رضایت‌بخش برای فرزندان هستیم بایستی آنها را به خوشی و شادکامی عادت دهیم اما خوش و شادی که بتواند با فزونی و بزرگتر شدن نیازمندیها و در مقابل هرگونه ناملایمی، که از مسائل سطحی دنیای خارجی پدید میگردد، مقاومت نموده و قادر باشد که آنها را معدوم ساخته و از میان بردارد. خوشبختی قبل از هر چیز عبارت است از اینکه چگونه مسائل را در نظر میگیریم و آنرا حل‌اجلی مینمائیم و چگونه میتوانیم آنها را با خود و زندگی



خوشبختی عبارت است از پاداشی صحیح و قابل احترام. چون بدبختی، نگرانی، و ناامیدی در هوایی که همه ما استنشاق میکنیم وجود دارد باید نسبت به پهلوانی که توانسته بخارهای مضر و مسموم را هضم و تصفیه نماید بسیار آگاه بوده و از او قدردانی بعمل آید و بنوعی زندگی عمومی را با این سرمشق نیرومند و فعال تطبیق داد. سرب از لحظه شروع آگره راه و روش معین و مشخصی در پیش رویش وجود دارد توجه داشته باشد میتواند به اندازه توانائیش هوای مسموم را هضم نماید

است و یک چنین مداوانی بر پایه اشتباه استوار است. نتیجه و عاقبت اوهام و تفکرات بصورت عسام، خوشبختی را در درون موجود تصور میکند و شکلی از رضایت خاطر تکبرآمیز تعبیه مینماید. بدبختانه چون موجود قادر نیست آن چیزی را که میخواهد به ثبوت رساند، سعی می کند که کاری انجام دهد لااقل تا مرحله و سرحد ناامیدی چیزی درک نکند اگر بدست آوردن خوشبختی در اثربلاها و نفهمی یا بر اثر تصادف در بدست آوردن چیزی مثل تملک یک خانه یا یک عنوان مهم توجه گردد فرد همیشه در انتظار باقی میماند و هیچ وقت هم خوشبختی را بدست نخواهد آورد. فرد نمیتواند هرگز بر همه خواسته هایش دست یازد یا تسلیم میشود و یا بطور منفی و غیر فعال مقاومت می کند و یا انصراف حاصل مینماید اما اگر بجای تسلیم یا انصراف از خواسته هایش به چیزی و یا برای کسی با قصد و نیت سازنده اقدام نماید شانس بسیار زیادی وجود دارد که در آن واحد برای خودش هم حالتی شاد و کاملاً مثبت بدست آورد که آن رنج جانکاه و سردی را که مجبور به تحملش میباشد توجیه نماید.

از نقطه نظر «Alaine» سعادت و خوشبختی پارسائی است. کلمه زیبای پارسائی طوری شخص را متوجه بد معنی و مفهوم آن کلمه میسازد که میخواهد پارسائی را به توانائی توصیف کند. اشاره کاملاً صحیح است ولی بشرط اینکه برای خوشبختی محور و نقطه عطفی جز «من» ترسیم گردد. چه هرگز به افکار و روحیاتی که فقط حرص و آژشان را تفسیر می کنند نباید اجازه داد به قضاوت یک چنین قانون و اصل قابل ستائشی بپردازند «Alaine» افکارش را در این عبارات بیان می کند «آنچه را که به اندازه کافی در باره اش گفتگو شده این است که انجام تکلیف و وظیفه نسبت به دیگران خود خوشبختی و سعادت بزرگی است. میگویند چیزی دوست داشتنی تر از خوشبخت بودن نیست ولی فراموش کرده اند که

نباید و نمیتواند پسر بچه‌ای را که در خارج از این تشریفات و پیچ‌وخم‌های رسمی بار آمده است مانع شود تا خودش را در مرحله‌ای مشاهده نماید که دست‌یابی به بسیاری از مشاغل و حرف‌برایش غیر ممکن است و بسیاری از درهای آینده بر رویش بسته مانده است، بهمین دلیل به نتایج و قیاس‌های قطعی زیر میرسیم:

آیا بایستی کودک را از ابتدا به بسیاری از مسائل و چیزهای احتمالی خارجی که از نظر قضاوت کابل و عالی نیستند ولی اجباراً در جریان زندگی در مقابلشان قرار خواهند گرفت و آنانرا بزانو درخواهد آورد، آشنا ساخته و به شناسائی و قبول آنها عادتشان داد؟ یا اینکه سدهائی خلل‌ناپذیر در مقابل مسائل

و همین روش را بر شاگردانش منطبق سازد و این قدرت را در وجود آنان پرورش دهد، چون بوسيله تشکیل و تشکل همین نیروست که به قدرت و پارسائی فعال، شانس پیشرفت میدهد و کودک و نوجوان میتواند سرنوشت خود را بدست‌گیرند. ولی باید متوجه بود که این مطلبی نیست که بشود بوسيله مفاهیم عجیب و غریب بر خصوصیات و رفتار آنان تحمیل کرد. هیچ نطق و خطابه‌ای هیچ فشار و تهدید و تشویقی نخواهد توانست نه از چرخش زمان و کسب آنچه را که خوش‌آیندشان میباشد نه از حوادث و نه از فعالیتهای روزمره آنان جلوگیری نماید. آنچه را که میخواهند انجام میدهند و به آخر می‌رسانند و راه انجامش را هم خودشان انتخاب می‌کنند سعی پدر و مادر و مربی محدود می‌شود به اینکه خلق و خوی آنها را ثابت و محکم سازند، افاق دید آنها را گسترده‌تر و وسیع‌تر نمایند و برای هر کدامشان در حداکثر ممکن وسائل شناسائی و توجیه مطالب را فراهم سازند.

با این وجود هیچ‌کس نمیتواند نسبت به توفیق فرزندش در زندگی بی‌تفاوت بماند. یا باید قدرتی فوق بشر داشته باشد و یا اینکه غیر انسانی فکر کند تا بمسائل مادی سعادت و خوشبختی توجه نکرده و بدان اهمیت ندهد. همه میخواهند در هیچ مورد نه روحاً نه قلباً نه در رفتار و کردار و نه در مورد سلیقه و خواسته‌هایشان نگرانی و ناراحتی نداشته باشند. ولی نباید فراموش کرد یعنی غیر ممکن است که روزی اجباراً خود را در قید سلسله وقایعی که زنجیروار بهم اتصال دارند (زندگی گذشته و باعث سایش و رنجش مابقی «زندگی فعلی و آینده» میباشد احساس خواهند کرد و برای گذران و بسا رسیدن به کمال و بهبود مجبورند بطرز وحشتناکی در زیر چرخش دندانهای این زنجیر خرد گردیده و ذوب شوند.

امتحانات و برنامه‌های درسی امروز که بطور صحیح و قضاوت‌شده‌ای مطالعه و تقدردیده است



اشتغالاتش تحت تأثیر این عوامل قرارگیرد ایسن خالهای برنده چیزی جز شناسانی شرافت و پارسائی نیست که بدینوسیله میتوان مقداری از مخاطرات غیر مترقبه را تعدیل و یا جبران نمود .



مشکوک برپا دارند و نگذارند کودک جز با کمال و در محیطی بی نقص و سالم کسه فقط قسمتی از شاهکارهای تعلیم و تربیت است برابر گردد و نسبت به احتمالات و امکانات بی تفاوت بماند ؟

اولین راه بنظر دشوار میرسد ! و دومی بصورت وحشتناکی اتفاقی است . تطبیق فرد با زندگی و روشهایش که دنیای مدرن به او تقدیم یا تحمیل می کند الزامی است . وظیفه و تکلیف هرکسی است که بتواند و آماده باشد تا محدودیت هائیکه در راه زندگی اش قرار میگیرد و قادر است احساسات و عقلش را مسموم و فلج سازد ، حقیر و ناچیز شمارد و انسانی مبارز را آید : این مبارزه از سوئی شامل رفع حوائج طبیعی و روزمره میگردد و از سوی دیگر حاوی تربیت روانی و استقامت و پایداری میباشد که تفاوت بین این دو موضوع بایستی کاملاً مورد توجه قرارگیرد .

واضح و روشن است که قسمتی از تربیت یک موجود برپایه سرنوشتی که با آن دست بگریبان است استوار میگردد ممکن نیست به شهرنشین کوچک ، قرن ما همانگونه آمادگی داد که به کودک بومی جنگل های آفریقائی داده میشود بی تفاوت ترین و بی قیدترین هنرمند و قتیکه میخواهد دورنمایی تزئینی بسازد با جبار قسمتی از اندیشه های هنریش بسا اضطراب و نگرانیهایی که برای فراهم ساختن وسائل اولیه نقاشی از قبیل بوم و رنگ و سایر وسائل مادی و همچنین توجه به ذوق و سلیقه اطرافیانش آمیخته میگردد .

گو اینکه نمیتوان تطبیق یک انسان با محیطش را با نقاشی وقابش مطابق و مقایسه کرد ، چه هرگز نمیشود فکری آزاد و متحرک را با وسائل بی حرکت و جنب و جوش برابر کرده و یکسان رفتار نمود . بهترین که میتوان انجام داد آنست که وسائلی در دسترس کودک قرار دهیم که بتواند با خودیاری و بوسیله خودش خود را با محیطش برابر و سازگار سازد و این بدون شک عبارت است از اینکه بتوانیم حداکثر خالهای برنده را در اختیارش قرار دهیم و آنوقت از او یک «قهرمان» لایقی بسازیم که در تمام